

تفاح

- نسخه‌ای عملگرایانه برای جنبش اصلاح‌گرای اسلامی
- روایت‌های اینترنتی از رخدادهای دینی
- مرجعی معتبر برای شناخت جنبش‌های نوظهور دینی
- رمزگشایی از کلام قدسی در اثری ماندگار
- کاوش در زوایای اسلام معاصر



نگاهی گذرا به اندیشه‌های فتح‌الله گولن،
متفکر مسلمان ترکیه

نسخه‌ای عملگراییانه برای جنبش اصلاح‌گرای اسلامی

بکیم آگوی
ترجمه: کامیار سعادت‌نی

جهان اسلام در زمانه‌ی ما شاهد ظهور افراد و جریان‌های متعددی است که با عنوان صاحبان تفکر اصلاح‌گرا شناخته می‌شوند، اما یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها در این زمینه این است که یک نظام فکری باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد، تا دقیقاً مصداق «تفکر اصلاح‌گرای اسلامی» را پیدا کند؟ یک سوی ماجرا به آن دسته از مسلمانان اختصاص دارد که خود را مصلحان مسلمانان می‌نامند (مثلاً بسیاری از مسلمانان اروپا) اما از میان ایشان تنها عده معدودی هستند که نظام فکری قابل اعتنایی دارند. سوی دیگر ماجرا مسلمانانی هستند که خود را اصلاح‌گرا می‌دانند، اما بلافاصله گوشزد می‌کنند که نمی‌خواهند خود اسلام را اصلاح کنند، بلکه فقط در پی آنند که تفسیرهای رایج از اسلام را به شیوه‌ای صحیح و دقیقاً اسلامی اصلاح کنند. برای هر یک از این دو گروه، مصادیق متعددی می‌توان برشمرد.

«فتح‌الله گولن» (Fethullah Gulen) اندیشمند مسلمان ترکیه، از زمره گروه دوم است. او را میتوان پدر معنوی جریانی دانست که احتمالاً فعال‌ترین جنبش اسلامی در ترکیه، طی سال‌های پایانی قرن بیستم بوده است. با این‌همه اکنون عنایت چندانی به این متفکر و شاگردانش معطوف نمی‌شود و در تحلیل وضعیت تفکر اسلامی معاصر در ترکیه، نقش او مورد غفلت قرار می‌گیرد.

در نوشته‌ی حاضر خواهیم کوشید نظرات و اندیشه‌های فتح‌الله گولن را مورد کاوش قرار دهیم و مشی و مرام هواخواهان و طرفداران او را شرح دهیم. تلاش من آن است که بگویم گفت‌وگوهای خاص گولن در خصوص مفهوم تعلیم و تربیت، چگونه در میان شبکه‌سازمانی بسیار گسترده‌ی شاگردان او تبلور و بازتاب پیدا کرده است. در این مسیر، هم به خود این متفکر خواهیم پرداخت و هم به این سوال خاص و مشخص توجه خواهیم کرد که آیا اساساً ما تا کنون برای یافتن اصلاح‌گرایان مسلمان، راه درستی را انتخاب کرده‌ایم یا نه؟

الگوی مسلمانی

فتح‌الله گولن به سال ۱۹۲۸ در روستایی نزدیک ارزروم در آناتولی شرقی دیده به جهان گشود و اکنون در آمریکا روزگار می‌گذراند. او در خلال دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی به عنوان یک واعظ و مبلغ منصوب از طرف دولت، به سراسر ترکیه سفر کرد. یکی از کلیدی‌ترین دیدگاه‌های گولن که طی آن، سال‌ها

بسط و گسترش فراوانی یافت، تلاش برای شکل دادن اسلام مدرن بود. او این کار را با مهم جلوه دادن علوم تجربی و طبیعی انجام داد. به تعبیر دیگر، فتح‌الله گولن یکی از بهترین راه‌های معرفی اسلام مدرن را بهره‌گیری از میراث علوم طبیعی جدید می‌دانست.

همزمان با رشد نفوذ گرایش‌های اسلامی در صحنه‌ی سیاسی ترکیه، طی سال‌های دهه‌ی ۹۰، برخی از احزاب میانه‌رو و محافظه‌کار، گولن را در حکم یک «مسلمان نمونه» یا «الگوی مسلمانی» در جهان جدید تلقی می‌کردند، چرا که او مروج این اندیشه بود که باید میان ارزش‌های اسلامی و تفکیک اسلام از سیاست، پیوند و تلفیقی ایجاد کرد. آشکار است که این نظریه، مناسب حال جامعه‌ای است که ایدئولوژی کمالیسم را پذیرفته است، اما این پایان ماجرای گولن نبود، چرا که او به سال ۱۹۹۹ خود، هدف اتهامات ویران‌گر حاکمان لائیک ترکیه قرار گرفت و به عنوان یک «تهدید اسلامی» تلقی شد. البته این موج اتهامات هم‌اکنون فروکش کرده و پیداست که سمت و سوی این اتهامات به جای گولن، احزاب اسلام‌گرای چپ‌گرا و عدالت توسعه را نشانه رفته است. فتح‌الله گولن اینک پس از بازنشستگی، در آمریکا زندگی می‌کند و به فعالیت علمی و پژوهشی خود ادامه می‌دهد.

شبکه‌ی آموزشی گولن

فتح‌الله گولن بنیان‌گذار یک جریان یا جنبش آموزشی اسلامی است که ظرف ۳۰ سال گذشته، شبکه‌ای از مدارس تقریباً یکسان را در ترکیه و سایر نقاط جهان شکل داده است. البته این مدارس در فعالیت‌های روزانه‌ی خود مستقیماً زیر نظر گولن نیستند، اما همگی تقریباً از اصول آموزشی که توسط او تدوین شده تبعیت می‌کنند. در این نظام آموزشی اگرچه از اصول اسلامی الهام‌های فراوانی گرفته شده است، اما اصولاً آموزش، آموزش غیر دینی است و تمرکز اصلی روی شیوه‌های آموزشی مدرن است. شاید به همین دلیل است که شبکه‌ی آموزشی گولن توانسته از دولت‌های لائیک ترکیه، امکانات و تسهیلاتی بگیرد، مدارک این آموزشگاه‌ها مورد تأیید نظام ترکیه است. درست است که موضوعات دینی جزو درس‌های معمول در این مدارس نیست، اما تجربه نشان می‌دهد که برخی از شاخص‌ترین چهره‌های اسلام‌گرای ترکیه، محصول همین مدارس به ظاهر غیر دینی هستند. زبان اول این مدارس،

زبان انگلیسی است. این مدارس اکنون در بسیاری از کشورهای جهان شعبه دارند و چشم‌انداز کلی آن، ترکیبی از اندیشه‌های سکولار ترکیه و آموزه‌های اسلامی محافظه‌کارانه است.

این مدارس حتی تا حدی با قرائت رسمی اسلام در ترکیه هم تعارض دارد. مایه‌ی شگفتی است که تأکید بر فعالیت‌های «غیر دینی» در این نظام آموزشی در حالی صورت می‌گیرد که دولت لایتیک ترکیه در مقام طراحی سیاست فرهنگی خارجی خود به موضوعات دینی، چون ساخت مسجد- مثلاً در آسیای میانه- یا کمک به سازمان‌های آموزشی دینی- مثلاً در آلمان- توجه ویژه دارد.

قرائت سنتی از اسلام

فتح‌الله گولن در میان مردم ترکیه به چند چیز شهره است، فعالیت در حوزه‌ی مناسبات بین‌الادیانی، سازگار کردن اسلام و لائسیته، محکومیت علنی خشونت تحت نام اسلام، و بالاخره بالاتر از همه توجه دادن به اهمیت والای آموزش در اسلام. با یک نگاه اجمالی به آثار و مکتوبات متعدد گولن، خیلی زود خواهیم فهمید که او چندان رغبتی ندارد که یک نظام الهیاتی نو و بدیع عرضه کند یا حتی جهت‌گیری نو و انقلابی داشته باشد، قرائت او از اسلام متأثر و منطبق با روند کلی محافظه‌کاری اسلامی است وادله و استدلال‌هایش عمدتاً سنتی هستند. با این‌همه و به رغم آنکه او چندان نوگرا نیست، اما حجم فعالیت‌های شاگردان و پیروانش، چشم هر ناظری را خیره می‌کند. از سال ۱۹۸۰ تا کنون آن‌ها ۱۵۰ مدرسه خصوصی، ۱۵۰ آموزشگاه پیش‌دانشگاهی و تعداد فراوانی خوابگاه دانشجویی و دانش‌آموزی احداث کرده‌اند. رویکرد نظام آموزشی گولن به واسطه‌ی یک شبکه وسیع رسانه‌ای که در دهه‌ی ۸۰ تأسیس شد و نیز از طریق یک دستگاه تلویزیونی، یک روزنامه و تعدادی مجله و کتاب، رشد و گسترش فراوانی یافت. این رسانه‌ها همگی فعالیت‌های مؤسسات آموزشی گولن را گزارش می‌کردند. هر یک از این رسانه‌ها در خدماتی که انجام می‌دهند، البته مستقل‌اند، اما به دلیل اشتراک در جهت‌گیری کلی نظام آموزشی‌شان، با یکدیگر در ارتباطند و در نهایت یک پروژه را پیش می‌برند.

مفاهیم آموزشی و توفیقات جهانی

پس از فروپاشی شوروی و سقوط دیوار آهنی، فتح‌الله گولن شاگردان و هواداران خود را تشویق

کرد تا دامنه‌ی فعالیت‌ها و اندیشه‌های خود را به فراسوی مرزهای ترکیه گسترش دهند. او در این مسیر به حمایت تجار و بازرگانان متمولی دلگرم بود که بیشتر اعلام کرده بودند در گسترش ایده‌های گولن به خارج از مرزهای ترکیه حاضر به مساعدت هستند. گولن توجه ویژه‌ای به کشورهای جداشده از شوروی سابق و نیز کشورهای حوزه‌ی بالکان داشت. هواداران گولن در کشورهایی، چون چین، بوسنی و هرزگوین، دانمارک، آلمان، انگلستان، کامبوج، هلند، فرانسه، فیلیپین، کره جنوبی، تانزانیا، چین و تایلند، امکانات آموزشی خاصی مستقر کردند که البته هیچ‌ربطی به وزارت آموزش و پرورش ترکیه نداشت. با این‌همه، هواداران گولن از کشورهای عرب، غفلت کردند. نهضتی که هواداران گولن به راه انداخته بودند، در آلمان بسیار فعال بود و تقریباً در تمامی شهرهای مهم این کشور، مدارس خصوصی دایر شد. اگرچه مدارس در آلمان هیچ ستاد مرکزی برای هدایت واحد نداشتند، اما معنای این حرف آن نیست که فعالیت آن‌ها در قالب یک شبکه درنیامد. این برای نخستین بار بود که یک گروه اسلامی نفوذ خود را بر نظام آموزشی سکولار در ترکیه مدرن اعمال می‌کرد و برای نخستین بار بود که یک نظام آموزشی با موفقیت به خارج از مرزهای ترکیه صادر میشد. در واقع وجه جذاب و شگفت کار گولن و هوادارانش این بود که گسست میان دو عرصه‌ی «اسلامی» و «سکولار» را تا حد زیادی ترمیم کردند و این دوگانه‌ی به‌ظاهر متخالف را که سال‌ها در ترکیه غیر قابل آشتی تلقی می‌شد، از میان برداشتند. به این ترتیب آن دسته از مؤسسات آموزشی که ملهم از یک مفهوم اسلامی بود، از جانب دولت لایتیک ترکیه به رسمیت شناخته شد. مؤسسات آموزشی گولن در بسیاری از کشورها با نظام‌های آموزشی ملی آن‌ها، باب همکاری را گشودند. به هر حال شبکه‌ی وسیع آموزشی که فتح‌الله گولن و هم‌فکرانش در ترکیه و سایر کشورها بنا نهادند گو اینکه ریشه در پاره‌ای مفاهیم اسلامی داشت، اما تقریباً به هیچ وجه نمی‌توان آن‌ها را مدارس اسلامی به معنی خاص دانست.

مفاهیم اسلامی در گفتمان آموزشی گولن

تعلق خاطر گولن به مسأله‌ی آموزش، و رویکرد خاص او به نسبت اسلام و سیاست، و نیز شأن و اعتباری که او برای نقش رسانه در شبکه آموزشی خود

قائل بود، بی‌شک تأثیرات شگرفی بر فضای اسلامی ترکیه نهاد. به وضوح می‌توان تأثیرات مثبتی را که نظام ارزشی و اقدامات گولن و هوادارانش در ترکیه آفریده است، شاهد بود، اما آیا می‌توان به اعتبار این مسأله او را یک اصلاح‌گرای مسلمان نامید؟ برای پاسخ به این سوال بی‌درنگ باید تأمل دقیق‌تری در دنیای فکری فتح‌الله گولن انجام دهیم. در آغاز ضرورتی است که میان الهیات اصلاح‌گرایانه و تفکر نوآورانه‌ی اسلامی تمایز قائل شویم. «گفتمان گولن» شامل عناصر متعددی است که البته در اینجا فقط می‌توان به اختصار از آن‌ها سخن گفت. یکی از وجوه این گفتمان آن است که کلام و سخن گولن به طور عمده با نوعی ابهام و چندگانگی همراه است، به گونه‌ای که افکار او را هر کس به تناسب درک خود می‌تواند در قالب ویژه و متفاوتی دسته‌بندی کند، اما به گمان من سعی او بر آن نیست که به تفسیر مجدد متون دینی بپردازد، بلکه می‌کوشد عناصر متنوع و نوعاً پذیرفته شده را در هم ادغام کند و در قالب نظریه‌های جدید عرضه کند. اصول اساسی گفتمان گولن به نظر من از این قرار است:

حفظ و ابقای اسلام در جهان جدید

۱- گولن بیش از هر چیز به این می‌اندیشد که برای اسلام در شرایط جهان جدید، جایی درخور بیابد و اسلام را همچنان حفظ کند. او این ایده را بی‌شک از سعید نورسی متفکر ترکیه (متوفای سال ۱۹۶۰) به ارث برده است. مفروضات او در باب اسلام شامل این موارد است:

- دولت مدرن سکولار، یک هم‌اورد و حریف مقتدر است. چنان‌چه کسی با این حریف مقتدر، مستقیماً به رویارویی بپردازد، علق و خواسته‌های اسلامی‌اش صدمه می‌بیند، چرا که این دولت بی‌درنگ با او برخورد می‌کند. سعید نورسی معتقد بود که خداوند هر انسانی را به طور انفرادی مورد داوری قرار می‌دهد و هر انسان، در پیشگاه داوری الهی، به تنهایی مبعوث می‌شود. بنابراین جنبش اسلامی باید بکوشد که تمرکز خود را بر هدایت «افراد» قرار دهد تا به راه راست هدایت شوند. نظم سیاسی را باید چارچوبی برای رفتار انسان‌ها دانست و آن‌را پذیرفت، در اینصورت نظم سیاسی قادر خواهد بود وظایف مهم‌تر خود را با دقت و توجه بیشتر ایفا کند.

- ما در روزگاری زندگی می‌کنیم که زمانه‌ی علم و تکنولوژی است و هیچ بدیل دیگری وجود

ندارد. برای آدمی در چنین زمانه‌ای دو راه بیشتر وجود ندارد، یا اینکه بکوشد زمانه‌ی خود را به شیوه‌ای دینی شکل دهد و یا اینکه هرگونه نفوذ و نقش عامل بیرونی را حذف کند. فتح‌الله گولن می‌گوید: «نارضایتی و ناخرسندی هیچ‌گاه نتوانسته است تاریخ را بسازد.» به این ترتیب او مخالف هرگونه رویکرد انقلابی است و فرآیند اصلاح اجتماعی را بر هر راهکار دیگر ترجیح می‌دهد.

- به نظر گولن و نوری علم مدرن، ابزاری است برای آنکه به کمک آن و با مطالعه در مخلوقات، درک عقلانی‌تری از خداوند به چنگ آوریم. تنها راه حفظ دین در عصر مدرن، همین است و بس. علم مدرن، شناخت عقلانی جهان را به ما ارزانی می‌دارد. مدارس سکولار که در عین حال توجهی به دین هم داشته باشند، پایه‌های این علم مدرن را مستحکم خواهند کرد. به گمان گولن، علم پایه‌های (راه اقتصادی، یکپارچگی اجتماعی و استقلال ملی را شکل می‌دهد و این مسایل، همان اهداف اصولی و اساسی هستند که هم نظام مدرن را و هم اسلام مدرن را حفظ خواهند کرد.

- در فضای کنونی که استمرار حیات دین به شدت در معرض خطر است، تن دادن به مناقشات کلامی و الهیاتی هیچ سودی در پی ندارد. لازم است که محکم کلام بر حوزه‌ها و عرصه‌هایی تأکید ورزد که اختلاف برانگیز نباشند و نوعی اجماع در آن موارد وجود داشته باشد. در واقع علم کلام میتواند با تأکید بر اشتراک، دست کم وجود اصل دین را محافظت کند.

اسلام و ناسیونالیسم ترکیه

۲- یکی از عوامل مهمی که به ترفیع موقعیت فتح‌الله گولن در ترکیه منجر شده است نظریه او در باب تلفیق ناسیونالیسم ترکی و اسلام است. این نظریه را برخی از هواداران او در سایر کشورها هم پیاده کرده‌اند و اصول ناسیونالیسم را با شرایط بومی آن کشورها وفق داده‌اند. گولن برخلاف آن‌چه در دهه‌ی ۸۰ میلادی بدان معتقد بود، اکنون عقیده دارد که دیگر نمی‌توان با گوشه‌گیری و کناره جستن از جهان خارج، هویت اسلامی خودمان را حفظ کنیم. او نظریه‌ی دولت-ملت را با واقعیت جهانی شدن، ناسازگار نمی‌بیند. گولن آنقدر اعتماد به نفس و اطمینان دارد که برای بازگرداندن اعتبار پیشین به اسلام، پیشنهاد می‌کند که بیایید درها را باز کنیم. به

حکم آن که نمی‌توان فرآیند جهانی شدن را متوقف کرد پس بهتر است با مهار و هدایت این فرآیند، از آن به عنوان یک فرصت استفاده کنیم. در نظر او، الهیات و علم کلام نیست که جهان جدید را می‌سازد، بلکه این مؤسسات آموزشی سکولار هستند که به کمک استفاده‌ی هدفمند از رسانه‌های جدید، می‌توانند کشورها را در چرخه‌ی مشارکت جهانی وارد کنند و میسر جهان جدید باشند. فتح‌الله گولن تکالیفی را که اسلام بر پیروان خود مقرر کرده، گوشزد می‌کند و می‌گوید مسلمانان باید در پی کسب هرچه بستر دانش باشند تا از این طریق استقلال مادی و عقیدتی خود را از غرب، تحقق بخشند. همین تأکید او بر مقوله‌ی

■ **فتح‌الله گولن می‌گوید اگر به تحلیل جریان‌های نوظهور در جهان اسلام بپردازیم خواهیم دید که متأسفانه به گزینه‌ی اول (اصلاح خود اسلام) بیش‌تر اقبال نشان می‌دهند و از گزینه‌ی دوم (تحول در افکار مردم) غافلند. به گمان او ضروری است به جای هر کار دیگر، اینک اصلاح‌گرایی اسلامی را در قالب رویکردی عمل‌گرایانه و با هدف تغییر در مردم و توسط به‌کارگیری زبان خود مردم دنبال کنیم**

استقلال باعث شده است برخی افراد، گولن را حامی اسلام سیاسی بدانند. خلاصه آنکه، به نظر گولن استقلال ملی و فرهنگی تنها در صورتی به دست خواهد آمد که مسلمانان بتوانند برحسب اعتقادات خود جهان مدرن را شکل دهند، نه اینکه آن را از اساس انکار کنند و یا رسیدن به آن را از محالات بپندارند و اصلاً سراغ آن نزنند.

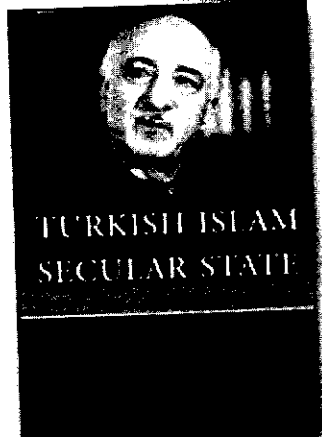
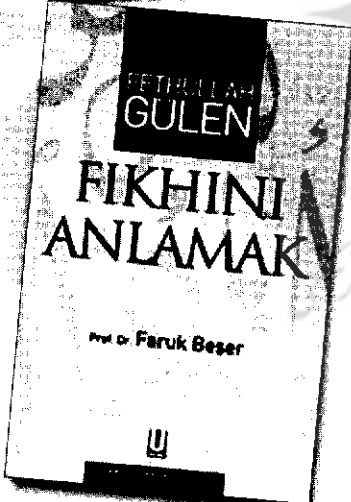
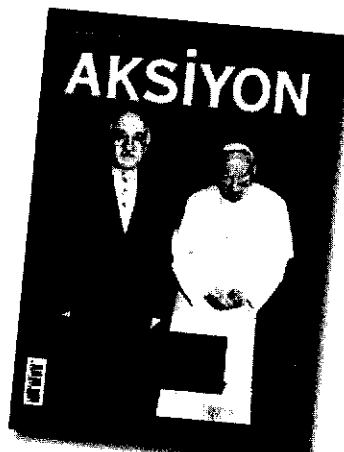
تقدم اخلاق و آموزش بر سیاست

۳- به انکای آنچه تا کنون گفته شد، میتوان حکم کرد که نظرات فتح‌الله گولن به لحاظ کلامی و الهیاتی چندان بدیع و ابتکاری نیست، او اصول اساسی رفتار اسلامی را اینگونه تبلیغ می‌کند: **جهاد؛ تلاش زائدالوصف در راه خدا، ارشاد؛ اشاعه و نشر اسلام، و بالاتر از همه خدمت؛ یاری رساندن به مردم به صورت صلح‌آمیز و تحت نام خداوند.** او در اثبات این اصول رفتاری، از همان الگوهای

استدلالی بهره می‌گیرد که پیشتر بارها در علم کلام استفاده شده است. نکته‌ی جالب و البته تعجب‌انگیز این است که گولن وقتی می‌خواهد به مخاطبان خود بگوید که نظر اسلام در مورد مسایل مختلف چیست، استدلال‌هایش کاملاً عادی، معمولی و حتی مردم پسند است. اما در عین حال راه‌های کاملاً جدیدی پیشنهاد می‌دهد تا این اصول اعتقادی را تکمیل کند. این معلم مدرسه در این مرحله به یک پیامبر تبدیل می‌شود، کسی که میخواهد اصول پیش‌گفته‌ی فوق را از طریق انتقال دانش به ثمر برساند. نکته‌ی کلیدی در نظر گولن این است که اصول اسلامی به خودی خود ثابت و تغییر ناپذیرند، اما در هر فضای تازه‌ای باید یک‌شکل و صورت انضمامی واقعی به خود بگیرند. شاید زمانی دایر کردن یک کلاس قرآن بهترین راه خدمت به مسلمانان بود، اما اکنون که بر سر هر کوی و برزنی یک مسجد است، بهتر است به فعالیت‌های اسلامی دیگری پرداخت که اولویت دارند. فتح‌الله گولن در تقویت حلقه‌های محافظه‌کار اسلامی، توفیقات فراوانی داشته است. او عرصه‌های کاملاً جدیدی برای فعالیت برگزیده است، واژگان سنتی اسلامی را به کار می‌برد، اما به واسطه‌ی کاربرد کاملاً تازه‌ای که از این واژگان سنتی عرضه می‌کند، در واقع روح تازه‌ای به آن واژگان می‌بخشد. طبیعی است که این کار به مذاق محافظه‌کاران مسلمان که می‌خواهند در عرصه عمل، خودی نشان بدهند، سخت شیرین می‌آید.

گولن برای آن‌که از زیر بار موج انتقادات نظری بگیرد و تناقضاتی را که بین قانون اسلامی و سکولار یا میان مفاهیم اسلامی دولت وجود دارد حل کند، به همان راهی نمی‌رود که برخی از متفکران مسلمان ترکیه، ایران یا عرب رفته‌اند. چراکه این اندیشمندان اصلاح‌گرا به باز تعریف یا تفسیر مجدد تاریخ و قرآن پرداخته‌اند. گولن در عوض راه دیگری را انتخاب می‌کند. او به سادگی می‌گوید که اخلاق و آموزش برای اسلام امروز، اساسی‌تر و حیاتی‌تر از مسایل سیاسی است و مسلمانان زمانه‌ی ما با معضلاتی کاملاً متفاوت مواجهند، معضلاتی که مهم‌تر از مثلاً این سوال است که آیا باید شریعت اسلامی را به دنیا معرفی بکنیم یا نه.

۴- فتح‌الله گولن یک نظام اخلاقی ناظر بر اعمال خیر، طراحی می‌کند که دو کارکرد مهم دارد: هم برای فعالان اسلام‌گرا این امکان را فراهم می‌آورد که به اتکای این نظام اخلاقی، جایی در



می‌کند و به روش‌ها و شیوه‌هایی دست می‌یابد که به مدد آن‌ها می‌تواند به طیف جدیدی از گروه‌های هدف دست یابد.

زمانی که مشغول تحقیق در باب گولن بودم، یکی از کسانی که با او ارتباط نزدیکی داشت، به من گفت: گولن اهل سرزمینی است که بسیاری از مردم آن، به خاطر نظام ارزشی سنتی که داشتند تا چندی پیش از این که به دختران اجازه دهند که درس بخوانند سرباز می‌زدند، اما امروزه همان مردم، دختران خود را به دانشگاه می‌فرستند و گویا متقاعد شده‌اند که بین اسلام و آموزش، رابطه‌ی نزدیکی وجود دارد. این تحول مدیون بهره‌گیری درست از همان نظام استدلالی است که مردم ترکیه به شدت آن را پذیرفته‌اند. در واقع گولن توانست با استفاده از همان چیزهایی که مردم به آن دلبسته بودند، تحولی شگرف را در عرصه‌ی اجتماعی بیافریند. مردم به‌خوبی و به سرعت توانستند با آنچه گولن تبلیغ می‌کرد رابطه برقرار کنند. او توانست مردم را به اهداف خود علاقه‌مند کند. گولن فهمیده بود که از طریق تبلیغ اصلاح‌گرایی اسلامی که مستطهر به حمایت دولت است، نمی‌تواند در تغییر افکار مردم توفیق یابد. او راه دیگری برگزید، به جای آنکه مباحث اسلام سیاسی را دامن بزند، کوشید به این مسأله بپردازد که چه‌طور می‌توان هم مسلمان بود و هم آموزش را جدی گرفت. راه حل او به ظاهر خیلی ساده است اما به همین اندازه، پراگماتیستی و موفق بود.

مسیری که گولن برگزید اینک نور تازه‌ای بر این سوال می‌افکند که اسلام اصلاح‌گرا واقعاً چیست؟ آیا این خود اسلام است که باید اصلاح شود یا اینکه ما باید مردم را تغییر دهیم؟ فتح‌الله گولن می‌گوید اگر به تحلیل جریان‌های نوظهور در جهان اسلام بپردازیم خواهیم دید که متأسفانه به‌گزینگی اول (اصلاح خود اسلام)، بیش‌تر اقبال نشان می‌دهند و از گزینگی دوم (تحول در افکار مردم) غافلند. به گمان او ضروری است به جای هر کار دیگر، اینک اصلاح‌گرایی اسلامی را در قالب رویکردی عمل‌گرایانه و با هدف تغییر در مردم و توسط به‌کارگیری زبان خود مردم دنبال کنیم.

* یکم آگای، استادیار دپارتمان مطالعات شرق‌شناسی در دانشگاه بن آلمان است، او به سال ۱۹۷۴ در ترکیه زاده شد و در رشته‌ی مطالعات اسلامی و نیز تاریخ و روان‌شناسی در بن و قاهره فارغ‌التحصیل شد.

اجتماع داشته باشند، و هم اصول اعتقادی و شعائر اسلامی را ترفیع و تقویت می‌کند و شایسته زندگی میکند. در این راستا هر کار و عملی که در مسیر اهداف اسلامی باشد، عملی خواهد بود که در خدمت خداوند است. کار آموزش و اساساً حمایت از مقوله‌ی آموزش، به‌طور ویژه منطبق با عالی‌ترین ارزش‌های اسلامی است.

۵- ترفیع و تقویت شعارها و اصول اسلامی منوط به اجتناب از مفاسد و بی‌لیاقتی‌ها در سطح سازمان‌هاست. در این میان، اتخاذ تدابیری لازم است که به اتکای آن‌ها فرد مسلمان بتواند به بهترین شکل، تکالیف الهی و اسلامی خود را ادا کند. این تدابیر باید به گونه‌ای طراحی شوند که از طریق تأکید بر راهکارهای عینی و عملی به غنا بخشیدن به مفاهیم و شعائر اسلامی بیانجامند. فتح‌الله گولن بیش و پیش از هر چیز به دنبال آن است که سازمان‌هایی را اشاعه و گسترش دهد که توسط هواداران او (که خود گولن آن‌ها را «جماعت» می‌نامد) مورد حمایت قرار می‌گیرد. این سازمان‌ها به زعم گولن وسیله‌ای هستند که ما می‌توانیم به کمک آن‌ها رستگاری فردی را با علائق و اهداف گروهی، یا حتی اهداف کل جامعه معاوضه کنیم. در واقع از طریق این سازمان‌ها، رستگاری فردی آنقدر گسترش می‌یابد که گروه یا کل جامعه را پوشش می‌دهد. به این ترتیب، گولن صورت‌های سازمانی هواداران خود و نیز تدابیر و استراتژی‌های آن‌ها را «اسلامی» می‌کند. این هر دو (سازمان و استراتژی) باید آنقدر انعطاف‌پذیر و ملموس باشند که مردمان بیشتری اهداف آن‌ها را در یابند. به گمان گولن، یگانه راه تغییر جامعه، تغییر افراد است. «جماعت» یا همان گروه هواداران گولن باید وقت و نیروی خود را هرچه بیشتر صرف تربیت «نسل نو» کند.

پراگماتیسم اسلامی شده

۶- شک نیست که فتح‌الله گولن و پیروان مسلمانان به دنبال عرضه‌ی تفسیری بسیار سنتی از اسلام هستند، اما نکته‌ی مهم این است که وقتی با دیگران سر و کار دارند، در مقام انتقال مفاهیم دینی، دست کم به برخی از مفاد نظام ارزشی آن‌ها هم التفات شود، لذا قرائتی به غایت باز از اسلام عرضه می‌کنند تا جایی که دامنه‌ی نفوذ کلام آن‌ها، حتی حلقه‌های غیراسلامی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد راز توفیق اندیشه‌های گولن این است که قراردادگرایی را با محافظه‌کاری تلفیق